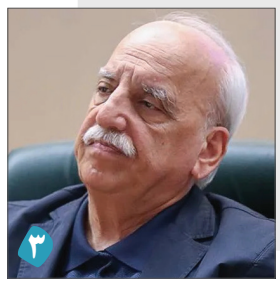
تازه‌های اقتصاد

یکشنبه ۰۱ آذر ۱۴۰۵
۱۲ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۲۲ نوامبر ۲۰۲۶
۴ صفحه
شماره ۱۶۹


۳

تثبیت قیمت‌ها ساده‌انگاری خطرناک در اقتصاد

معاون سیاستگذاری پولی بانک مرکزی در گفت وگو با تازه های اقتصاد

مهار تورم بدون توقف تولید

- سیاست‌گذار پولی خود را ملزم می‌داند که حداقل از سمت تقاضا در تنور تورم ندمد
- افزایش هزینه‌های انرژی و محدودیت دسترسی به انرژی در شرایط کنونی، یکی از عوامل ایجاد تورم است
- تأمین مالی اقتصاد و کنترل تورم را به دور از هیاهو و فشارهای بیرونی دنبال می‌کنیم



تورم همچنان قدرت خرید خانوارها را تحت فشار قرار می‌دهد و تولیدکنندگان نیز برای ادامه فعالیت، با هزینه‌های بیشتری روبه‌رو هستند. این دو واقعیت، اقتصاد ایران را در شرایطی قرار داده که مهار افزایش قیمت‌ها و تأمین مالی تولید، هر دو به ضرورتی جدی تبدیل شده‌اند. از یک طرف، خانوارها انتظار دارند سیاست‌های اقتصادی به ثبات قیمت‌ها و حفظ قدرت خرید آن‌ها کمک کند و از طرف دیگر، بنگاه‌هایی که برای تأمین مواد اولیه، پرداخت دستمزد و حفظ ظرفیت تولید به منابع مالی نیاز دارند، چشم‌انتظار حمایت‌هایی هستند که تداوم فعالیت آن‌ها را ممکن سازد.

کاهش شتاب تورم می‌تواند بخشی از نگرانی‌های اقتصادی را تعدیل کند، اما آنچه برای مردم اهمیت دارد، استمرار ثبات و امکان برنامه‌ریزی برای آینده است. تولیدکنندگان نیز به شرایطی نیاز دارند که بتوانند هزینه‌های فعالیت خود را با اطمینان بیشتری پیش‌بینی کنند. در این میان، موضوع اجرای سیاست‌های مهار تورم و تدابیر لازم برای حفظ جریان تأمین مالی بنگاه‌ها در کنار کنترل رشد نقدینگی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

جنگ نیز بر دامنه این دغدغه‌ها افزوده است. اقتصاد ایران اکنون با ضرورت بازسازی واحدهای آسیب‌دیده، ترمیم زنجیره‌های تأمین و حفظ فرصت‌های شغلی روبه‌روست. برخی بنگاه‌ها مستقیماً خسارت دیده‌اند و فعالیت برخی دیگر از پیامدهای جنگ تأثیر پذیرفته است. پاسخ به نیازهای مالی این بخش‌ها، استفاده از ظرفیت شبکه بانکی، بازار سرمایه و صنعت بیمه را ضروری‌تر کرده و توجه به اقدامات انجام‌شده برای حمایت از تولید را افزایش داده است.

بانک مرکزی از جبهه سیاست پولی وارد میدان شده و کنترل رشد نقدینگی و حمایت از تأمین مالی اقتصاد را دنبال می‌کند. با این حال، مهار تورم تنها بر عهده این نهاد نیست؛ زیرا بخشی از فشارهای قیمتی از سیاست‌های مالی، محدودیت‌های تجاری، هزینه‌های تولید و مشکلات تأمین انرژی سرچشمه می‌گیرد. از این رو، انتظار می‌رود سایر دستگاه‌های اقتصادی نیز متناسب با مسئولیت‌های خود وارد میدان شوند و با هماهنگی بیشتر، زمینه اثرگذاری سیاست‌های پولی و حمایت از فعالیت‌های اقتصادی را فراهم کنند. مجموع این شرایط، ضرورت بررسی اقدامات انجام‌شده برای مهار شتاب تورم، تأمین مالی تولید و حمایت از بنگاه‌های آسیب‌دیده از جنگ را بیشتر کرده است. در کنار تدابیر بانک مرکزی، همراهی دولت در مدیریت منابع و مصارف بودجه، تأمین نیازهای تولید و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی نیز اهمیت دارد. موفقیت در کنترل تورم و بازسازی ظرفیت‌های تولیدی، به مشارکت مجموعه سیاست‌گذاران و نهادهای اقتصادی وابسته است؛ جایی که اقدامات پولی بانک مرکزی باید با تصمیم‌های مالی و تولیدی سایر دستگاه‌ها همراه شود تا ثبات اقتصادی و تداوم فعالیت بنگاه‌ها، هم‌زمان دنبال شود.

ادامه در صفحه۲

سرمقاله

ثبات اقتصادی در گرو هماهنگی دستگاه‌ها



مرتضی نجف
رییس پیشین هیات مدیره بانک ملت

کنترل تورم و حفظ ثبات قیمت‌ها از مهم‌ترین مأموریت‌های بانک مرکزی است، اما تحقق این هدف را نمی‌توان صرفاً به عملکرد سیاست‌گذار پولی محدود کرد؛ چراکه در نظام اقتصادی دیگر نهادها نیز نقش موثری در این مهم دارند که باید در تعامل با یکدیگر و در یک مسیر گام بردارند.

ثبات اقتصادی زمانی حاصل می‌شود که سیاست‌های پولی و مالی در یک مسیر هماهنگ قرار گیرند و بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه در چارچوب یک برنامه منسجم عمل کنند.

بانک مرکزی در کنار حفظ ثبات قیمت‌ها، مسئولیت‌هایی مانند کمک به رشد اقتصادی، حمایت از اشتغال، ایجاد ثبات در بازار ارز، مدیریت نرخ‌های بهره و حفظ ثبات بازارهای مالی را نیز بر عهده دارد. طبیعی است که ایجاد تعادل میان این اهداف، به‌ویژه در شرایط خاص اقتصادی، نیازمند سیاست‌گذاری متناسب با اولویت‌های کشور و توجه به آثار تصمیمات سایر دستگاه‌هاست.

در شرایط جنگی نیز نمی‌توان همان الگوهای سیاست‌گذاری دوره عادی را بدون در نظر گرفتن اقتضائات موجود دنبال کرد. در چنین وضعیتی، کنترل تورم باید در اولویت قرار گیرد، اما آثار سیاست‌های اتخاذشده بر رشد اقتصادی و اشتغال نیز نباید نادیده گرفته شود.

یکی از موضوعات مهم در این مسیر، اصلاح سازوکار تخصیص منابع و تسهیلات بانکی است. با توجه به محدودیت منابع شبکه بانکی، باید از ابزارهای مالی موجود برای هدایت هدفمند منابع جامعه به سمت بنگاه‌های اقتصادی استفاده کرد.

در حوزه سیاست ارزی نیز باید به ارتباط میان مداخلات بانک مرکزی و متغیرهای پولی توجه داشت. خرید و فروش دارایی‌های خارجی از ابزارهایی است که بانک مرکزی برای اثرگذاری بر نرخ ارز در اختیار دارد، اما تأثیر این معاملات بر پایه پولی و عرضه پول به نحوه اجرای آنها بستگی دارد. از همین رو، تفکیک میان مداخله مؤثر و مداخله عقیم اهمیت زیادی دارد.

همچنین مقابله با فساد ارزی و الزام صادرکنندگان به بازگرداندن درآمدهای ارزی، باید با جدیت دنبال شود. البته تحقق این هدف نیز صرفاً در اختیار بانک مرکزی نیست. قوای سه‌گانه، به‌ویژه قوه قضاییه و نهادهای نظارتی، باید در مقابله با تخلفات ارزی نقش مؤثری ایفا کنند.

بانک مرکزی نیز با توجه به ابزارهای نظارتی و دسترسی به اطلاعات و حساب‌های بانکی صادرکنندگان، می‌تواند از طریق اجرای مقررات و اعمال تنبیهات قانونی، بازگشت ارز حاصل از صادرات را پیگیری کند.

از سوی دیگر، تخصیص ارز و نظارت بر نحوه مصرف آن، مسئولیتی فراتر از بانک مرکزی است. این بانک در چارچوب ضوابط و اولویت‌های تعیین‌شده، وظیفه تخصیص ارز را بر عهده دارد، اما نظارت بر بخش‌هایی از فرآیند تجارت خارجی و اطمینان از مصرف ارز در محل تعیین‌شده، به همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت جهاد کشاورزی و سایر دستگاه‌های مسئول نیاز دارد.

موضوعاتی مانند ثبت سفارش، اولویت‌بندی کالاها، عملکرد سامانه جامع تجارت و ترخیص کالا از گمرک نیز در حوزه مسئولیت دستگاه‌های دیگری قرار دارند و نمی‌توان تمام مشکلات این بخش‌ها را به بانک مرکزی نسبت داد.

در مجموع، ثبات اقتصادی و مهار تورم نیازمند انسجام در تیم اقتصادی دولت و هماهنگی میان سیاست‌گذار پولی، سیاست‌گذار مالی و دستگاه‌های اجرایی و نظارتی است. بانک مرکزی باید بر مأموریت اصلی خود، یعنی کنترل تورم، مدیریت پایه پولی و نظارت بر شبکه بانکی تمرکز کند، اما دستیابی به این اهداف بدون اصلاح فرآیند تخصیص منابع، بازگشت ارز حاصل از صادرات، نظارت بر تجارت خارجی و مقابله با فساد اقتصادی امکان‌پذیر نخواهد بود.

به بیان دیگر، ثبات اقتصادی محصول عملکرد یک دستگاه نیست، بلکه نتیجه هماهنگی و تقسیم مسئولیت مؤثر میان تمام ارکان اقتصادی کشور است.

معاون سیاستگذاری پولی بانک مرکزی تاکید کرد

مهار تورم بدون توقف تولید



ادامه تیتریک اقتصاد ایران در شرایطی با ضرورت بازسازی ظرفیت‌های تولیدی و جبران آسیب‌های ناشی از جنگ روبه‌رو شده که فشارهای تورمی و محدودیت منابع مالی، تأمین سرمایه مورد نیاز بنگاه‌ها را دشوارتر کرده است. در چنین فضایی، تأمین مالی تولید دیگر تنها به پرداخت تسهیلات بانکی محدود نمی‌شود و همراهی بازار پول، بازار سرمایه و صنعت بیمه برای حفظ فعالیت بنگاه‌ها و بازگرداندن ظرفیت‌های آسیب‌دیده ضروری است. بانک مرکزی نیز در میانه این شرایط، مأموریت دشواری را دنبال می‌کند؛ مهار شتاب تورم و کنترل رشد نقدینگی، بدون آنکه جریان تأمین مالی تولید متوقف شود.

وحید ماجد، معاون سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی در گفت‌وگو با خبرنگار تازه‌های اقتصاد، با تشریح اقدامات این نهاد برای تحقق همزمان این دو هدف، از تأمین مالی حدود ۹۶۰۰ همتی اقتصاد از طریق شبکه بانکی خبر داد که ۷۷ درصد آن به بخش‌های اقتصادی و تولیدی اختصاص یافته است. وی همچنین از رشد ۱۲ برابری تأمین مالی زنجیره‌ای و اختصاص منابع اعتباری به بنگاه‌های آسیب‌دیده از جنگ سخن گفت و تأکید کرد که بازسازی تولید باید با تأمین مالی هدفمند و بدون تشدید فشارهای تورمی دنبال شود. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید:

در شرایطی که اقتصاد کشور با ضرورت تأمین مالی تولید و بازسازی واحدهای آسیب‌دیده مواجه است، تعامل میان شبکه بانکی، بازار سرمایه و صنعت بیمه چه نقشی می‌تواند در تأمین منابع مورد نیاز و تقویت ثبات اقتصادی داشته باشد؟

مجموعه نظام مالی به‌عنوان نظام پشتیبان بخش حقیقی اقتصاد، در تجهیز منابع برای تأمین مالی تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی فعالیت می‌کند. هم‌افزایی میان اجزای مختلف نظام مالی، شامل بازار پول، بازار بیمه و بازار بورس یا دقیق‌تر بگوییم بازار اوراق بهادار، به دلیل تأثیرپذیری این سه بخش از یکدیگر اهمیت زیادی دارد. این هم‌افزایی به ثبات اقتصادی، ثبات مالی و در نهایت ثبات پولی کمک می‌کند. البته این روابط دوسویه هستند و لازمه برخورداری از اقتصادی قوی، کارکرد صحیح و به‌موقع نظام مالی، پولی و بیمه‌ای کشور است.

در شرایط جنگی و با توجه به آسیب‌هایی که به اقتصاد ملی وارد شده، نظام مالی، پولی و بیمه‌ای کشور می‌تواند در تأمین مالی بازسازی و تأمین مالی هدفمند و هوشمندانه کمک کند تا بتوانیم از شرایط خطیر فعلی عبور کنیم، اقتصاد را به روند رشد بلندمدت خود بازگردانیم و شاهد افزایش مجدد تولید، اشتغال، رشد اقتصادی و در نتیجه ارتقای معیشت و اقتصاد ملی باشیم.

اقتصاد ایران علاوه بر مشکلات ساختاری سال‌های گذشته، دو شوک جنگی را نیز تجربه کرده است. با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین رسالت‌های بانک مرکزی مهار شتاب تورم است، چه اقداماتی در این زمینه انجام شده است؟

شاخص‌ها گویای آن چیزی هستند که مردم در زندگی خود احساس می‌کنند. اقتصاد ما در شرایط تورمی بالایی قرار دارد و مهار تورم به‌عنوان مهم‌ترین هدف بانک مرکزی تعریف شده است. هم در قانون بانک مرکزی و هم براساس اصول و تجربیات جهانی، بانک مرکزی نخستین هدف خود را مهار و کنترل تورم می‌داند و در این جهت حرکت می‌کند. ما نیز در اقتصاد ایران از این قاعده مستثنا نیستیم.

براساس تقسیم وظایف انجام‌شده، بانک مرکزی باید در جهت کنترل تورم حرکت کند و ابزارهای سیاست پولی را برای مهار آن به کار گیرد. برای اینکه مشخص شود بانک مرکزی چگونه باید از این ابزارها استفاده کند، تا چه اندازه می‌تواند موفق باشد و ابزارهای در اختیار بانک مرکزی چه میزان قدرت تأثیرگذاری دارند، باید به ریشه‌های تورم بپردازیم.

اقتصاد کشور در سال‌های گذشته با تورم‌های بالا و ساختاری مواجه بوده که جنگ نیز آن را تشدید کرده است. تورم در شرایط فعلی اقتصاد کشور از چند ناحیه ایجاد می‌شود. علاوه بر تورم ساختاری که معمولاً در اقتصاد ایران به آن اشاره می‌شود، تخریب رابطه مبادله نیز موجب شده است بخشی از تورم، به‌ویژه در سال‌ها و ماه‌های اخیر، از این محل ایجاد شود و در نتیجه شرایط فعلی، تورم‌های بالایی را تجربه کنیم.

اگر بخواهم دقیق‌تر درباره تخریب رابطه مبادله صحبت کنم، شرایط جنگی، تحریم‌های ظالمانه، زورگویی برخی کشورها و تلاش دشمنان برای محاصره اقتصادی، موجب افزایش هزینه‌ها می‌شود. البته آن‌ها موفق نخواهند شد، اما شرایط به‌گونه‌ای است که هزینه خدمات مالی برای خرید و انتقال کالا به داخل کشور، از جمله هزینه‌های بیمه، افزایش پیدا می‌کند.

زمانی که چشم‌انداز درآمدهای ارزی و صادرات منفی می‌شود و احتمال محدودیت درآمدهای ارزی وجود دارد، نرخ ارز نیز افزایش پیدا می‌کند. پس خود نرخ ارز هم معلول تخریب رابطه مبادله است و از این محل شاهد تورم شدیدی در اقتصاد هستیم.

اگر بخواهیم رابطه مبادله کشور را براساس اطلاعاتی که اخیراً مرکز آمار ایران منتشر کرده، تا پایان بهار سال جاری شاخص‌سازی کنیم و شاخص رابطه مبادله را برای سال ۱۴۰۰ برابر با ۱۰۰ در نظر بگیریم، این شاخص طی پنج سال اخیر روند نزولی داشته و به ۵۳ رسیده است. به عبارتی، رابطه مبادله کشور نزدیک به ۵۰ درصد کاهش یافته است.

افزایش هزینه‌های انرژی و محدودیت دسترسی به انرژی نیز در شرایط فعلی به یکی دیگر از عوامل ایجاد تورم تبدیل شده است. محدودیت‌هایی که در تأمین انرژی صنایع وجود دارد، موجب کاهش عرضه کالا می‌شود و از این محل نیز شاهد افزایش تورم هستیم.

موضوع دیگری که با آن مواجه هستیم، انتظارات تورمی است. زمانی که انتظارات تورمی به دلایل سیاسی، مناقشات یا فضاسازی‌هایی که ممکن است در داخل یا خارج از کشور شکل بگیرد، ایجاد می‌شود، می‌تواند تورم را افزایش دهد.

بخشی از افزایش تورم نیز ناشی از تعدیل رو به بالای قیمت‌های اداری یا اقلام مشمول قیمت‌گذاری است. در اقتصاد ایران بسیاری از کالاها و خدمات عمومی و برخی کالاهای دیگر مشمول قیمت‌گذاری هستند. هنگامی که قیمت این اقلام، از انرژی و کالاهای اساسی گرفته تا ۱۱۹ کالای مشمول قیمت‌گذاری، تعدیل می‌شود، آثار آن در تورم نمایان خواهد شد. بخشی از تورم نیز از سمت تقاضا ایجاد می‌شود. زمانیکه نقدینگی افزایش پیدا می‌کند و فشار تقاضا ایجاد می‌شود، تورم افزایش می‌یابد. نقش سیاست‌گذار پولی در سمت تقاضاست و می‌تواند فشار تقاضا را کاهش دهد تا افزایش بیشتر قیمت‌ها رخ ندهد.

در بسیاری از تحلیل‌ها عنوان می‌شود زمانی که تورم از سمت عرضه ایجاد می‌شود و عرضه نیز اجزای مختلفی دارد، نباید در سمت تقاضا کنترل صورت گیرد؛ اما اگر در شرایطی که شاهد افزایش قیمت‌ها از سمت عرضه هستیم، کنترل تقاضا انجام نشود، مانند ریختن بنزین در تنور تورم است. به همین دلیل، سیاست‌گذار پولی خود را ملزم می‌داند که حداقل از سمت تقاضا در تنور تورم ندمد و اجازه ندهد قیمت‌ها بیش از آنچه اکنون شاهد هستیم، افزایش پیدا کند.

نکته‌ای که وجود دارد این است که ممکن است درباره نقش بانک مرکزی در کنترل تورم صحبت کنیم، اما مردم در سطح جامعه و بازار، شرایطی متفاوت با آنچه گزارش می‌کنیم، احساس کنند. ما در این زمینه بر به‌کارگیری اصول علمی راسخ هستیم و باید آنچه را که واقعیت تحقق‌نیافته است نیز ترسیم کنیم.

مدتی پیش اعلام می‌شد که اقتصاد ایران ظرف دو هفته از بین خواهد رفت، نرخ ارز به ۳۰۰ هزار تومان خواهد رسید، تورم ۳۰۰ درصدی خواهد شد و ابرتورم را تجربه خواهیم کرد. این‌ها همان واقعیت‌های تحقق‌نیافته هستند. توان و قدرت سیاست‌گذار پولی و ابزارهای سیاست‌گذاری پولی بود که اجازه نداد وارد شرایط ابرتورمی شویم و تورم‌های سه‌رقمی و چهاررقمی را آن‌گونه که حتی برخی تحلیلگران داخلی نیز به آن اشاره می‌کردند، تجربه کنیم.

البته نمی‌خواهم از این موضوع به‌عنوان یک توفیق برای اقتصاد ملی یاد کنم، چراکه تورم همچنان از نظر ما بسیار بالاست. باید در سمت عرضه تسهیلاتی ایجاد شود، انتظارات تورمی کنترل شود، تعدیل قیمت اقلام اداری محدود باشد، نهاده‌های مورد نیاز تولید داخلی، به‌ویژه انرژی و نهاده‌های وارداتی، تأمین شود و بتوانیم چشم‌انداز مثبتی برای صادرات کالاهای کشور ایجاد کنیم تا در آن زمان بتوانیم بگوییم موفق شده‌ایم. زمانی که درباره واقعیت‌های تحقق‌نیافته صحبت می‌کنم، خودم نیز متوجه هستم که تشریح این موضوع در شرایط فعلی دشوار است.

سیاست‌گذار پولی تنها در یکی از سنگرهای مقابله با عواملی که قیمت‌ها را به سمت بالا هدایت می‌کنند، در حال مبارزه است و استفاده از سایر ابزارها نیازمند هماهنگی دیگر دستگاه‌های حاکمیتی است؛ از دولت در زمینه مدیریت بودجه گرفته تا بخش قانون‌گذاری در زمینه کاهش سلطه مالی بخش عمومی به معنای عام آن. البته سلطه مالی هیچ‌گاه به صفر نخواهد رسید. کاهش تورم مستلزم هماهنگی همه اجزای حاکمیت با دیگر بخش‌های اقتصادی است.

با وجود اقدامات بانک مرکزی برای مهار تورم، افزایش قیمت‌ها همچنان فشار زیادی بر معیشت مردم وارد می‌کند. سیاست‌های پولی تا چه اندازه توانسته‌اند از شتاب افزایش قیمت‌ها بکاهند و بانک مرکزی چه برنامه‌ای دارد که هم‌زمان با حمایت از تولید، تورم ماهانه را کنترل کند؟

آثار سیاست‌گذاری پولی با وقفه نمایان می‌شود. با تعیین اهداف سیاست‌گذاری پولی، مقرر شد کنترل کل‌های پولی را تشدید کنیم و در عین حال، تأمین مالی تولید را به‌گونه‌ای در دستور کار قرار دهیم که بخش تولید نیز آسیب نبیند. شاهد این مدعا، شاخص قیمت تولیدکننده یا تورم تولیدکننده است که نرخ ماهانه آن به ۱۵.۸ درصد رسیده بود، اما در شهریورماه به ۱.۸ درصد رسید و روند نزولی به خود گرفت. هرچند این شاخص در ماه اخیر تا حدودی صعودی شده است، تمام تلاش‌ها برای کنترل آن ادامه دارد.

تورم ماهانه مصرف‌کننده نیز که به ۸.۵ درصد رسیده بود، با سیاست‌های پولی و پیگیری‌های انجام‌شده در بانک مرکزی و هماهنگی با دیگر ارکان حاکمیت، به کانال سه درصد بازگردانده شد. در ماه‌های اخیر نرخ‌های ۳.۸، ۳.۹ و ۴.۱ درصد را شاهد بوده‌ایم و متوسط تورم ماهانه به حدود چهار درصد رسیده است.

البته این شرایط واقعاً به معنای دستیابی به توفیق نیست. باید بتوانیم در عین حال که بخش تولید تحرک پیدا می‌کند، نرخ تورم ماهانه را در کوتاه‌مدت به زیر سه درصد برسانیم و ان‌شاءالله اهداف تعیین‌شده در زمینه کنترل تورم را محقق کنیم.

> **سیاست‌گذار پولی خود را ملزم می‌داند که حداقل از سمت تقاضا در تنور تورم ندمد و اجازه ندهد قیمت‌ها بیش از آنچه اکنون شاهد هستیم، افزایش پیدا کند.**
> **ممکن است درباره نقش بانک مرکزی در کنترل تورم صحبت کنیم، اما مردم در سطح جامعه و بازار، شرایطی متفاوت با آنچه گزارش می‌کنیم، احساس کنند. ما در این زمینه بر به‌کارگیری اصول علمی راسخ هستیم و باید آنچه را که واقعیت تحقق‌نیافته است نیز ترسیم کنیم.**

این رویکرد سیاست‌گذاری پولی ماست که در وهله نخست، مهار شتاب تورم را در دستور کار قرار داده است.

در خصوص ابزارهایی که به کار گرفته‌ایم، پیش‌تر در رسانه‌ها صحبت و اطلاع‌رسانی شده است و نمی‌خواهم خیلی وارد جزئیات آن شوم. در ماه‌های اخیر، تأمین مالی کالابرگ و دولت از روش‌های غیرتورمی و بدون اتکا به پولی‌کردن کسری بودجه در دستور کار بانک مرکزی قرار داشت و با جمع‌آوری نقدینگی از بازار و تخصیص هدفمند آن از طریق ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای، توانستیم به توفیقاتی دست یابیم.

هرچند هنوز شرایط را آن‌گونه که مطلوب متصور شده‌ایم، نمی‌بینیم و قطعاً باید تلاش بیشتری داشته باشیم. تلاش می‌کنیم براساس اصول علمی، دانش و تجربه، با توجه به ساختار و وضعیت فعلی کشور و به دور از هیاهو، شعارهای پوپولیستی و فشار ناشی از تبلیغات خارجی یا خواسته‌های بخشی و گروهی، در جهت تأمین مالی اقتصاد و تحقق خیر عمومی حرکت کنیم؛ به‌گونه‌ای که آثار آن را در رشد اقتصادی و کنترل تورم شاهد باشیم.

از نظر کارشناسی، به‌عنوان یک کارشناس اقتصادی در این حوزه، تلاش من و همکارانم در بانک مرکزی و بخش‌های کارشناسی دولت بر این است که با عبور از شرایط فعلی، تا حدودی به اقتصاد ثبات ببخشیم و در گام بعدی، موتور تولید و رشد اقتصادی را با شتاب بیشتری به حرکت درآوریم تا اقتصاد با دستان توانمند تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی بتواند به حرکت خود ادامه دهد.

بانک مرکزی در کنار مأموریت کنترل تورم، چه اقداماتی برای حمایت از تولید و تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی انجام داده است؟

حمایت از تولید از چند جنبه دنبال می‌شود که یکی از آن‌ها تسهیل محیط کسب‌وکار است. بانک مرکزی به‌عنوان بخشی از حاکمیت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، برای تسهیل شرایط تولید تلاش می‌کند، اما نقش مهم بانک مرکزی، هدایت منابع به بخش تولید است تا بتوانیم با همراهی همکاران خود در شبکه بانکی، تأمین مالی تولید را محقق کنیم و این تأمین مالی به‌صورت غیرتورمی انجام شود.

مجموع ابزارهای در اختیار شبکه بانکی به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ تسهیلات و اعتبارات اعطایی، ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای و ابزارهای تعهدی یا اصطلاحاً ابزارهای زیرخطی. مجموع دو ابزار نخست، یعنی تسهیلات و اعتبارات و ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای، تاکنون نسبت به مدت مشابه سال گذشته بیش از ۷۵ درصد رشد داشته و شاهد تأمین مالی حدود ۹۶۰۰ همتی اقتصاد کشور از طریق شبکه بانکی بوده‌ایم.

تلاش شده است این تأمین مالی به‌صورت هدفمند انجام شود و تأکید ما بر استفاده از ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای بوده است. میزان تأمین مالی از طریق این ابزارها امسال ۱۲ برابر شده و تاکنون از ۴۲۰ همت عبور کرده است. هدف‌گذاری ما این است که تا پایان سال ۸۷۰ همت از طریق ابزارهای زنجیره‌ای تأمین مالی انجام دهیم. البته برآورد بنده این است که از این هدف‌گذاری ۸۷۰ همتی نیز عبور خواهیم کرد.

این وضعیت کلی تأمین مالی اقتصاد کشور است که ۲۳ درصد از منابع آن به بخش مصرف‌کننده نهایی و ۷۷ درصد به بخش‌های اقتصادی و تولیدی کشور اختصاص یافته است. سهم سرمایه در گردش در این بخش بالاست، چراکه تداوم تولید در شرایط جنگی فعلی از اولویت‌های بانک مرکزی بوده است.

با وجود شرایط جنگی، تشکیل سرمایه و پرداخت تسهیلات ایجادی نیز فراموش نشده و حداقل ۹ درصد از تسهیلات به بخش ایجادی اختصاص یافته است. دلیل اینکه بر حداقل ۹ درصد تأکید می‌کنم، این است که بخشی از تسهیلاتی که به‌عنوان سرمایه در گردش پرداخت می‌شود، به دلیل نوع قراردادی که با فعالان اقتصادی منعقد می‌شود، بعضاً با توسعه و ایجاد نیز همراه است، اما در سرفصل تسهیلات سرمایه در گردش ثبت می‌شود.

در بخش مصرف نیز که منابعی به مصرف‌کنندگان نهایی اختصاص یافته، تلاش شده است تسهیلات به‌گونه‌ای پرداخت شود که از مصرف‌کننده نهایی به بخش تولید اصابت کند. ابزارهایی مانند کارت رفاهی و سایر ابزارهایی که در این زمینه توسعه یافته‌اند، با رویکرد خرید کالای ایرانی مورد استفاده قرار می‌گیرند تا منابع به سمت تولید هدایت شوند.

بسیاری از تولیدکنندگان به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از جنگ اخیر آسیب دیده‌اند؛ عملکرد بانک مرکزی در حمایت از این بخش‌ها چگونه بوده است؟

در خصوص تأمین مالی واحدهای آسیب‌دیده از جنگ تحمیلی ۱۲روزه و جنگ رمضان نیز شبکه بانکی تلاش کرده است حداکثر همراهی ممکن را در تأمین مالی این واحدها داشته باشد. سازوکاری که در دولت برای حمایت از واحدهای آسیب‌دیده در نظر گرفته شده، به این صورت است که برای افزایش کارایی و هدفمندی تخصیص منابع، این واحدها از طریق ستاد بازسازی معرفی شوند.

ستاد بازسازی در سطح دولت تشکیل شده و ریاست آن بر عهده دکتر عارف، معاون اول محترم رئیس‌جمهور، است. دبیرخانه این ستاد نیز در سازمان برنامه مستقر است و وزارت صنعت، معدن و تجارت نسبت به شناسایی واحدهای آسیب‌دیده، اعم از واحدهایی که به‌صورت مستقیم آسیب دیده‌اند و واحدهایی که زنجیره تأمین آن‌ها با آسیب مواجه شده است، اقدام می‌کند. این واحدها از طریق ستاد معرفی می‌شوند و شبکه بانکی نیز اقدامات لازم را در این خصوص انجام می‌دهد.

تأمین مالی واحدهای آسیب‌دیده صرفاً بر عهده شبکه بانکی نیست و دولت در این خصوص تدابیری اندیشیده است تا از محل منابع عمومی و مولدسازی، عمدتاً از طریق شبکه بانکی، به این واحدها کمک شود. تأمین مالی از این محل‌ها انجام شده و در آینده نیز انجام خواهد شد.

در جنگ ۱۲روزه، ۲۲ واحد که به‌صورت مستقیم خسارت دیده بودند، از سوی وزارت صمت به شبکه بانکی معرفی شدند. در آن مقطع که بنده مسئولیت فعلی را بر عهده نداشتم، شبکه بانکی حداقل ۱.۱ همت تسهیلات به این واحدها پرداخت کرد و دست‌کم به همین میزان نیز ابزارهای تعهدی در اختیار آن‌ها قرار داد.

پس از پذیرش مسئولیت، مقرر شد هماهنگی‌هایی با وزارت صنعت، معدن و تجارت صورت گیرد تا واحدهای معرفی‌شده از سوی این وزارتخانه در چارچوب مشخصی به شبکه بانکی معرفی شوند. این واحدها به دو دسته تقسیم شدند؛ واحدهایی که به صورت مستقیم آسیب دیده‌اند و واحدهایی که زنجیره تأمین آن‌ها در نتیجه جنگ با مشکل مواجه شده و نیازمند حمایت بودند.

در این خصوص در دو بخش توافق صورت گرفت. ۲۶ واحد یا بنگاه اقتصادی گلوگاهی شناسایی و از طریق وزارت صمت معرفی شدند که تاکنون حداقل ۱۱.۲ همت تسهیلات و ۱۱.۷ همت تعهدات در اختیار آن‌ها قرار گرفته است. در مجموع، حدود ۲۳ همت تسهیلات، اعتبارات و ابزارهای تعهدی برای این بنگاه‌ها فراهم شده است.

واحدهایی که آسیب جزئی دیده‌اند یا زنجیره تأمین آن‌ها با آسیب مواجه شده، عمدتاً بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند. هدف‌گذاری ما نیز با توجه به این موضوع بود که این واحدها هم از منظر تولید و هم از منظر اشتغال اهمیت دارند.

در این بخش، ۲۱۴۰ واحد از سوی وزارت صمت معرفی شدند که عمده آن‌ها در جنگ ۴۰روزه آسیب دیده‌اند. البته تعداد این واحدها بیش از این است و واحدهای دیگری نیز معرفی خواهند شد. حداقل ۳۸۸ همت تسهیلات به این واحدها پرداخت شده است. همچنین ۱۶۶ همت ابزار تعهدی در اختیار این واحدها قرار گرفته که در مجموع می‌توان گفت حداقل ۵۶۰ همت تأمین مالی برای واحدهای معرفی‌شده از سوی وزارت صمت انجام شده است.

هرچند معتقدیم این منابع کم است و قطعاً باید حمایت بیشتری صورت گیرد، اما همان‌طور که در عنوان نمایشگاه نیز آمده، این تأمین مالی باید هوشمندانه انجام شود تا تورم‌زا نباشد. بانک مرکزی، شبکه بانکی، دولت و ستاد بازسازی باید اطمینان حاصل کنند که این تأمین مالی به هدف اصابت می‌کند تا بتوانیم به فعالیت بخش‌هایی از تولید ملی که عملکرد آن‌ها تا حدودی با مشکل مواجه شده، سرعت ببخشیم و از شرایط ویژه‌ای که اکنون با آن مواجه هستیم، عبور کنیم. البته من به نوبه خودم بسیار خوش‌بین هستم و ان‌شاءالله بتوانیم شاهد پویایی بیشتر اقتصاد کشور باشیم.

عبده‌تبریزی از محدودیت‌های بانک مرکزی در مهار پایدار تورم می‌گوید

تثبیت قیمت‌ها؛ ساده‌انگاری خطرناک در اقتصاد



گفت‌وگو

اقدامات ماه‌های اخیر بانک مرکزی در مهار رشد شتابان متغیرهای پولی و متوقف‌کردن موتورهای تورم‌ساز، ریل‌گذاری درستی است که بازتاب اولیه آن در افت نرخ رشد سالانه نقدینگی نمایان شده است. حسین عبده‌تبریزی، صاحب‌نظر ارشد مالی و اقتصاددان، در گفت‌وگوی اختصاصی با تازه‌های اقتصاد با دفاع از ضرورت انضباط‌بخشی به شبکه بانکی تأکید می‌کند که تمرکز بانک مرکزی بر کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها، ساماندهی بازار بین‌بانکی و تفکیک بانک‌های سالم از مؤسسات ناتراز، پاسخی اجتناب‌ناپذیر به بی‌انضباطی‌های مزمن سالیان گذشته است. با این حال، به باور وی سیاست‌گذار پولی در خط مقدم نبردی نابرابر قرار گرفته است؛ چرا که پایدار شدن این دستاوردهای پولی، فراتر از اختیارات ساختمان شیشه‌ای میرداماد، به توقف سرریز کسری بودجه دولت به ترازنامه بانک‌ها، کاهش نااطمینانی‌های غیراقتصادی و هم‌راستایی ساختار مالی کشور با انضباط پولی بانک مرکزی گره خورده است.

عبده‌تبریزی با اشاره به اینکه متغیرهای اقتصاد کلان ایران اکنون در بستری به‌شدت سیاسی و امنیتی تنفس می‌کنند، تأکید دارد بخش عمده انتظارات تورمی و افت تمایل عمومی به نگهداری ریال، خارج از حیطه اختیارات بانک مرکزی شکل می‌گیرد؛ از این‌رو انضباط پولی بدون تنش‌زدایی در روابط خارجی و انضباط مالی دولت به سرانجام نمی‌رسد.

این اقتصاددان در بخش دیگری از این گفت‌وگو، به تحرکات اخیر در مجلس برای احیای سیاست‌های موسوم به «تثبیت قیمت‌ها» در حوزه ارز، انرژی و اقلام اساسی تاخته و آن را «ساده‌انگاری خطرناک» توصیف می‌کند. به باور وی، تکرار آزمون‌های شکست‌خورده کنترل دستوری قیمت بدون تأمین منابع پایدار، نه تنها مهار تورم را در پی ندارد، بلکه با تشدید کسری‌ها، ایجاد رانت و بازگشت موج‌های بعدی جهش قیمت، تیر خلاص را به اعتماد عمومی شلیک کرده و اندک پایداری ریال و بازار سرمایه را نیز منهدم خواهد کرد. ادامه گفت‌وگو با این اقتصاددان را در ادامه می‌خوانید:

بانک مرکزی اقداماتی را در زمینه سیاست‌های انقباضی و اصلاح ساختار بانکی آغاز کرده است؛ این اقدامات را چطور ارزیابی می کنید و چه راهبردهای مکملی را برای رفع ریشه‌ای نارسایی‌های پولی و مهار پایدار تورم ضروری می‌دانید؟

بانک مرکزی در ماه‌های اخیر عمدتاً بر کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها، مدیریت نقدینگی بازار بین‌بانکی، پیگیری اصلاح بانک‌های ناتراز و مدیریت بازار ارز تمرکز کرده است. این اقدامات ضروری است، اما اصلاح ساختار بانکی هنوز راه بسیار درازی پیش رو دارد و نمی‌توان صرف اعلام برنامه‌های اصلاحی را به معنای رفع ناترازی بانک‌ها دانست. ارزیابی من از عملکرد سه ماه اخیر، توفیقی نسبی و شکننده است. رشد سالانه نقدینگی از ۴/۵۴ درصد در مرداد به ۹/۵۰ درصد در مهر کاهش یافته، اما رشد ماهانه نقدینگی در مهر دوباره افزایش پیدا کرده است. تورم ماهانه نیز در این دوره روند افزایشی داشته است. بنابراین، شواهد موجود برای سخن‌گفتن از مهار پایدار تورم کافی نیست و نمی‌توان سهم دقیق اقدامات بانک مرکزی را در تغییرات اخیر مشخص کرد.برای کاهش پایدار تورم، دولت باید فشار کسری بودجه و تعهدات بدون منبع را از شبکه بانکی بردارد. هم‌زمان، اصلاح بانک‌ها باید با شناسایی زیان‌های پنهان، محدودکردن تسهیلات به اشخاص مرتبط، تأمین سرمایه‌ی واقعی و مشروط‌کردن حمایت بانک مرکزی به اصلاح عملکرد پیش برود. کنترل ترازنامه نیز باید متناسب با سلامت هر بانک اعمال شود تا تأمین مالی بنگاه‌های سالم بیش از اندازه آسیب نبیند.در عین حال، اقتصاد در فضایی به‌شدت سیاسی و امنیتی قرار دارد و بخش مهمی از انتظارات تورمی خارج از اختیار بانک مرکزی شکل می‌گیرد. نگرانی درباره‌ی آینده‌ی روابط خارجی، درآمدهای ارزی و تداوم فعالیت‌های اقتصادی، تمایل به نگهداری ریال را کاهش می‌دهد. کاهش این نگرانی‌ها، ثبات تصمیم‌های دولت و انتشار منظم و شفاف آمار، برای اثرگذاری سیاست پولی اهمیت اساسی دارد.منابع ارزی قابل‌استفاده و دامنه‌ی مانور بانک مرکزی نیز محدود است. این منابع باید صرف کاهش نوسان‌های مخرب و تأمین نیازهای ضروری شود. بانک مرکزی ممکن است فشار تورمی را تعدیل کند، اما موفقیت پایدار آن به انضباط مالی دولت، اصلاح واقعی بانک‌ها، کاهش اختلال تولید و تجارت و بهبود فضای سیاسی وابسته است.

یکی از ریشه‌های اصلی تورم در ایران، پمپاژ نقدینگی است که بخش عمده آن ناشی از اضافه برداشت بانک‌هاست. برخی تحلیلگران معتقدند این نرخ‌ها بازدارندگی ندارد، از نظر شما نرخ جریمه ۳۴ درصدی فعلی برای اضافه برداشت تا چه اندازه بازدارنده است و برای مقابله مؤثر با رشد نقدینگی چه راهبردی باید تدارک دیده شود؟

اضافه برداشت بانک‌ها از مجاری مهم افزایش پایه پولی است، اما همه رشد نقدینگی را توضیح نمی‌دهد. بانک‌ها با اعطای اعتبار، سپرده و نقدینگی ایجاد می‌کنند و ممکن است سپس برای تأمین ذخایر به بانک مرکزی وابسته شوند. بنابراین، باید هم اضافه‌برداشت و هم عوامل ایجادکننده این وابستگی را مهار کرد. در گزارش‌های منتشرشده در مرداد امسال، به نقل از یکی از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، از افزایش نرخ از ۳۴ به ۴۸ درصد سخن گفته شده است؛ ظاهراً این تغییر رخ نداده که شما رقم قبلی را می‌پرسید. یادمان باشد که افزایش جریمه به‌تنهایی کافی نیست. اگر بانک زیان‌ده به تداوم حمایت بانک مرکزی یا بخشودگی جرایم امیدوار باشد، نرخ بالاتر ممکن است فقط بدهی و زیان آن را افزایش دهد. بازدارندگی زمانی ایجاد می‌شود که مدیران و سهامداران نیز هزینه عملکرد نامناسب خود را بپردازند. باید میان کمبود موقت نقدینگی و ناترازی ساختاری تفاوت گذاشت. بانک سالم باید در برابر وثیقه معتبر و با سررسید مشخص حمایت شود؛ اما حمایت از بانک ناتراز باید به اصلاح عملکرد، محدودیت تسهیلات به اشخاص مرتبط، تأمین سرمایه واقعی و در صورت لزوم تغییر مدیریت مشروط باشد. بانک غیرقابل‌احیا نیز باید با حفاظت از سپرده‌گذاران تعیین تکلیف شود. هم‌زمان، دولت باید فشار بدهی‌ها و تسهیلات تکلیفی بدون منبع را کاهش دهد و کنترل ترازنامه با نظارت بر کیفیت اعتبار همراه شود. در شرایط سیاسی و امنیتی کنونی، حمایت بانک مرکزی باید موقت و مشروط باشد تا هم ثبات بانکی حفظ شود و هم هزینه ناترازی‌ها از طریق تورم به مردم منتقل نشود.

درباره افزودن بر نرخ بهره هم اظهارنظرهای مختلفی صورت می گیرد، در شرایط فعلی اصلاح نرخ بهره چه تاثیری دارد و آیا موافق آن هستید؟

در بحث افزایش نرخ بهره باید توجه کنیم که نرخ مؤثر تسهیلات بانکی عملا بالا رفته است. برداشت من این است که بانک‌های دولتی و خصولتی عموماً با نرخ‌هایی کمتر از ۳۰ تا ۳۳ درصد تسهیلات نمی‌دهند و در بانک‌های خصوصی نیز نرخ‌ها حدود ۳۸ درصد تا بیش از ۴۰ درصد است. بانک‌ها از طریق روش‌های مختلف، از جمله شروط پرداخت و مسدودکردن بخشی از منابع، هزینه مؤثر تسهیلات را افزایش داده‌اند. بنابراین، بحث امروز فقط افزایش نرخ‌های رسمی نیست؛ باید دید هزینه واقعی تأمین مالی اکنون چقدر است و افزایش بیشتر آن چه پیامدی دارد. نرخ بهره بالاتر به حفظ منابع ریالی و کاهش تقاضای اعتباری کمک می‌کند، اما افزایش نرخ تسهیلات لزوماً به همان میزان، بازده سپرده‌گذار را بالا نمی‌برد. با توجه به هزینه‌های فعلی، افزایش شدید و عمومی نرخ‌ها را توصیه نمی‌کنم؛ زیرا فشار بیشتری بر سرمایه در گردش بنگاه‌ها، تأمین مالی دولت و بانک‌های ناتراز وارد می‌کند. اگر پرداخت سود بالاتر نیز با اضافه‌برداشت تأمین شود، اثر ضدتورمی آن تضعیف خواهد شد.اولویت، شفاف‌کردن نرخ‌های مؤثر، اصلاح بانک‌ها و مهار فشار کسری بودجه است. تعدیل احتمالی نرخ‌ها باید تدریجی، متناسب با تورم مورد انتظار و همراه با این اصلاحات باشد. در شرایط سیاسی و امنیتی کنونی، افزایش نرخ بهره به‌تنهایی اعتماد به ریال را بازنمی‌گرداند؛ کاهش نااطمینانی و ثبات سیاست‌گذاری نیز ضروری است.

بانک مرکزی نرخ سود بین بانکی را از ۲۴درصد به ۳۳.۹ درصد افزایش داده، این راهبرد در مسیر مهارتورم چه تاثیری خواهد داشت؟

این نرخ، هزینه تأمین منابع کوتاه‌مدت میان بانک‌هاست و افزایش آن به معنای افزایش عمومی نرخ سود سپرده‌ها یا تسهیلات مشتریان به همین رقم نیست. بالارفتن این نرخ ممکن است با افزایش هزینه تأمین منابع بانک‌ها، رشد اعتبار و نقدینگی را محدود کند و به مهار تورم کمک کند. البته نرخ مؤثر تسهیلات پیش‌تر افزایش یافته بود؛ بنابراین، انتقال این تغییر به هزینه وام مشتریان لزوما به همان اندازه نخواهد بود.موفقیت این سیاست به مهار کسری بودجه و اصلاح بانک‌های ناتراز وابسته است. اگر هزینه بالاتر منابع، زیان بانک‌ها و نیاز آن‌ها به اضافه‌برداشت را بیشتر کند، اثر ضدتورمی سیاست تضعیف می‌شود. در فضای سیاسی و امنیتی کنونی نیز کاهش نااطمینانی و تقویت اعتماد به ریال، برای اثرگذاری این اقدام ضروری است.

در مجلس دوازدهم برخی نمایندگان به دنبال اجرای طرح‌هایی با رویکرد «تثبیت قیمت‌ها» در حوزه‌های ارزی، اقلام اساسی و انرژی هستند؛ چنین طرح‌هایی را تا چه اندازه مؤثر یا مخرب می‌دانید؟

اگر مهار تورم با دستور تثبیت نرخ ارز و قیمت کالاهای اساسی و انرژی ممکن بود، حل مسئله این‌همه دشوار نبود. این میزان ساده‌انگاری از سوی نمایندگانی که خود را اقتصاددان می‌دانند، تعجب‌آور و خطرناک است. تثبیت دستوری قیمت‌ها، بدون تأمین منابع و اصلاح ناترازی‌ها، فشار تورمی را به شکل کمبود، صف، رانت، افت تولید و جهش‌های بعدی قیمت بازمی‌گرداند. حمایت از معیشت مردم ضروری است، اما باید منابع و سازوکار قابل‌دوام داشته باشد.

ارزیابی من این است که ترکیب فعلی تیم اقتصادی دولت مناسب است و در شرایط بسیار سخت کشور توانسته همچنان حکمرانی ریال را حفظ کند. می‌توان عملکرد این تیم را نقد کرد، اما باید محدودیت‌های آن را شناخت. پیشنهاد دهندگان چنین طرح‌هایی باید توضیح دهند ارز لازم از کجا می‌آید، زیان تولیدکننده چگونه جبران می‌شود و کسری ناشی از تثبیت قیمت انرژی را چه کسی می‌پردازد. نگرانی من این است که اجرای چنین پیشنهادهایی، حتی در چند ماه، اعتماد به ریال و نگهداری سپرده‌های بانکی را به‌شدت تضعیف کند. اگر مردم احساس کنند سیاست اقتصادی بر وعده‌های بدون پشتوانه استوار شده، به سمت ارز، طلا و کالا حرکت می‌کنند؛ در نتیجه، شبکه بانکی، ابزارهای تأمین مالی بورس و امکان تأمین سرمایه تولید آسیب می‌بینند. در وضعیت کنونی، چنین آزمونی کشور را با خطرهایی بسیار بزرگ‌تر مواجه می‌کند.

> اگر مهار تورم با دستور تثبیت نرخ ارز و قیمت کالاهای اساسی و انرژی ممکن بود، حل مسئله این‌همه دشوار نبود. این میزان ساده‌انگاری از سوی نمایندگانی که خود را اقتصاددان می‌دانند و به دنبال اجرای طرح‌هایی با رویکرد «تثبیت قیمت‌ها» هستند، تعجب‌آور و خطرناک است. تثبیت دستوری قیمت‌ها، بدون تأمین منابع و اصلاح ناترازی‌ها، فشار تورمی را به شکل کمبود، صف، رانت، افت تولید و جهش‌های بعدی قیمت بازمی‌گرداند. حمایت از معیشت مردم ضروری است، اما باید منابع و سازوکار قابل‌دوام داشته باشد. ترکیب فعلی تیم اقتصادی دولت مناسب است و در شرایط بسیار سخت کشور توانسته همچنان حکمرانی ریال را حفظ کند. می‌توان عملکرد این تیم را نقد کرد، اما باید محدودیت‌های آن را شناخت. پیشنهاد دهندگان چنین طرح‌هایی باید توضیح دهند ارز لازم از کجا می‌آید، زیان تولیدکننده چگونه جبران می‌شود و کسری ناشی از تثبیت قیمت انرژی را چه کسی می‌پردازد.

اقتصاد ایران از لنز پژوهشکده پولی و بانکی

نفت و صنعت، ترمز رشد را کشیدند



گزارش

جدیدترین برآورد پژوهشکده پولی و بانکی از شاخص‌های فعالیت اقتصادی نشان می‌دهد اگرچه اقتصاد ایران در تابستان ۱۴۰۵ نسبت به بهار از شدت افت فاصله گرفته، اما هنوز نشانه‌ای از بازگشت به رشد مثبت دیده نمی‌شود. رشد تولید ناخالص داخلی که در بهار به منفی ۱۲.۱ درصد رسیده بود، در تابستان به منفی ۵.۲ درصد بهبود یافته است؛ بهبودی که بیش از آنکه از رونق بخش‌های اقتصادی حکایت کند، حاصل کاهش شدت انقباض در برخی فعالیت‌هاست.

در این میان، افت قابل‌توجه تولید نفت و تداوم ضعف صنایع و معادن، همچنان دو مانع اصلی بهبود عملکرد اقتصاد به شمار می‌روند؛ به‌طوری‌که بخش نفت با ثبت رشد منفی ۳۱.۷ درصدی و صنعت و معدن با رشد منفی ۱۰ درصدی، تصویر نگران‌کننده‌ای از وضعیت بخش‌های مولد اقتصاد ترسیم کرده‌اند. در مقابل، رشد مثبت کشاورزی و کاهش شدت افت خدمات، نشانه‌هایی محدود از تاب‌آوری اقتصاد در برابر فشارهای موجود را نشان می‌دهد.

اقتصاد ایران در تابستان ۱۴۰۵ توانست تا حدودی از شدت رکود بهار فاصله بگیرد، اما بررسی عملکرد بخش‌های مختلف اقتصادی نشان می‌دهد این بهبود هنوز به معنای خروج از شرایط انقباضی و بازگشت فراگیر تولید نیست. تازه‌ترین برآورد شاخص‌های فعالیت اقتصادی حاکی از آن است که رشد تولید ناخالص داخلی کشور از منفی ۱۲.۱ درصد در بهار به منفی ۵.۲ درصد در تابستان رسیده است؛ تغییری که اگرچه از کاهش قابل توجه شدت افت فعالیت اقتصادی حکایت دارد، اما همچنان تصویری از اقتصادی با بخش‌های نامتوازن و تحت فشار ارائه می‌کند.

بر اساس این برآوردها، رشد شاخص تولید ناخالص داخلی در دوره سه‌ماهه منتهی به خرداد ۱۴۰۵ منفی ۱۲.۱ درصد بوده و در دوره‌های منتهی به تیر و مرداد به منفی ۵.۶ درصد رسیده است. این رقم در دوره منتهی به شهریور نیز با اندکی بهبود به منفی ۵.۲ درصد افزایش یافته است. به این ترتیب، شدت رشد منفی اقتصاد در فاصله بهار تا پایان تابستان ۶.۹ واحد درصد کاهش پیدا کرده است؛ هرچند همچنان نمی‌توان از بازگشت اقتصاد به محدوده رشد مثبت سخن گفت.

این گزارش نشان می‌دهد: در حالی که خدمات به‌تدریج از شدت افت فعالیت خود کاسته و کشاورزی رشد مثبت را تجربه کرده، بخش نفت با تشدید کاهش تولید مواجه شده و صنایع و معادن نیز پس از بهبود نسبی در ماه‌های ابتدایی تابستان، بار دیگر نشانه‌هایی از افت فعالیت را بروز داده‌اند؛ همین ناهمگونی سبب شده است بهبود شاخص کل اقتصاد با احیای هم‌زمان بخش‌های تولیدی همراه نباشد.

احیای نسبی بخش خدمات

یکی از مهم‌ترین تحولات تابستان، تغییر روند فعالیت در بخش خدمات بوده است. رشد شاخص فعالیت این بخش که در بهار ۱۴۰۵ به منفی ۷.۸ درصد رسیده بود، در دوره سه‌ماهه منتهی به تیر به منفی ۴.۲ درصد و در دوره منتهی به مرداد به منفی ۳.۷ درصد کاهش یافت. این روند در شهریور نیز ادامه پیدا کرد و رشد شاخص خدمات به منفی یک درصد رسید.

به بیان دیگر، بخش خدمات طی چند ماه توانسته است بخش قابل توجهی از افت فعالیت خود را تعدیل کند، هرچند هنوز به محدوده رشد مثبت بازنگشته است. بررسی آمار تراکنش‌های شبکه پرداخت الکترونیک کشور نیز تا حدودی این تغییرات را تأیید می‌کند، اما در عین حال نشان می‌دهد بهبود در همه زیربخش‌های خدمات یکسان نبوده است.

بر اساس آمار شاپرک، ارزش اسمی تراکنش‌ها در تابستان ۱۴۰۵ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۹۷.۵ درصد افزایش یافته و این رشد در شهریور به ۱۰۲ درصد رسیده است. با این حال، تعداد تراکنش‌ها در شهریور و همچنین در دوره سه‌ماهه منتهی به این ماه حدود ۵ درصد کاهش داشته است. این تفاوت میان رشد ارزش و کاهش تعداد تراکنش‌ها نشان می‌دهد افزایش مبادلات ریالی را نمی‌توان به‌تنهایی نشانه رونق واقعی فعالیت اقتصادی دانست؛ چراکه افزایش قیمت‌ها نیز در رشد ارزش اسمی تراکنش‌ها نقش دارد. در بخش خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، ارزش اسمی تراکنش‌ها در تابستان ۱۰۶ درصد افزایش یافته و رشد آن در شهریور به ۱۰۲ درصد رسیده است. در همین حال، تعداد تراکنش‌ها تغییر محسوسی نداشته است. این وضعیت نشان می‌دهد دست‌کم در این زیربخش، شواهدی از کاهش محسوس تعداد مبادلات وجود ندارد، هرچند برای ارزیابی میزان رشد واقعی فروش باید اثر افزایش قیمت‌ها نیز در نظر گرفته شود.

متن کامل را در تازه‌های اقتصاد بخوانید

آمریکا در تب خرید برای روزهای بدون برق و اینترنت



فناوری

اختلال‌های گسترده در خدمات فناوری و نگرانی از حملات سایبری مبتنی بر هوش مصنوعی، موج تازه‌ای از خرید محصولات اضطراری را در آمریکا به راه انداخته است. داده‌های جدید نشان می‌دهد هزینه‌کرد مصرف‌کنندگان برای خرید تجهیزات بقا و کالاهای ضروری افزایش چشمگیری داشته و فروشگاه‌هایی مانند کاستکو با استقبال بیشتری از سوی مشتریانی روبه‌رو شده‌اند که می‌خواهند برای روزهای بدون برق، اینترنت و حتی اختلال در نظام بانکی آماده باشند؛ روندی که به شکل‌گیری نوعی اقتصاد جدید با عنوان «اقتصاد آخرالزمانی» منجر شده است.

آمریکایی‌ها این روزها طوری خرید می‌کنند که انگار قرار است فردایی وجود نداشته باشد. مجموعه‌ای از اختلال‌های فناوری در بخش‌های مختلف، از زمین‌گیر شدن پروازها و قطع دسترسی به ایمیل گرفته تا کندی تراکنش‌های بانکی، نگرانی‌ها درباره آسیب‌پذیری زیرساخت‌های دیجیتال و شبکه برق آمریکا را افزایش داده است. اگرچه مقام‌های دولتی شایعات منتشرشده درباره خرابکاری سازمان‌یافته یا دخالت عوامل خارجی در این اختلال‌ها را رد کرده‌اند، اما نگرانی مردم از وقوع یک قطعی گسترده فناوری یا بحران زیرساختی همچنان ادامه دارد. همین نگرانی باعث شده بسیاری از خانواده‌ها به فکر ذخیره مواد غذایی، آب، دارو، سوخت و تجهیزات مورد نیاز برای زندگی در شرایط اضطراری بیفتند.

برای نمونه، مادر سه‌فرزند در هیوستون طی روزهای اخیر اقدام به خرید گاز پروپان و مایع آتش‌زنه برای وسایل گرمایشی و پخت‌وپز مستقل از برق کرده است. او همچنین ذخایر مواد غذایی ماندگار، محصولات بهداشتی و داروهای مورد نیاز خانواده‌اش را افزایش داده تا در صورت بروز اختلال گسترده، بتوانند چند روز بدون خروج از خانه زندگی کنند. این نگرانی را می‌توان در رفتار بخش بزرگ‌تری از مصرف‌کنندگان آمریکایی نیز مشاهده کرد؛ جایی که آمادگی برای شرایط اضطراری، از یک اقدام احتیاطی محدود به یک الگوی تازه در خرید خانوارها تبدیل شده است.

جهش ۴۰۰ درصدی خرید تجهیزات اضطراری

بر اساس داده‌های اختصاصی شرکت تحلیل بازار Consumer Edge که در اختیار شبکه CNBC قرار گرفته، هم‌زمان با وقوع دست‌کم شش اختلال بزرگ فناوری در آمریکا طی روزهای ۱۲ تا ۱۷ نوامبر، هزینه‌کرد مصرف‌کنندگان در برندهای تخصصی فروش محصولات اضطراری حدود ۴۰۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته است. شرکت Ready America، از فعالان بازار تجهیزات بقا و آمادگی در شرایط بحران، نیز از افزایش حدود پنج‌برابری فروش اینترنتی خود در روزهای اخیر خبر داده است. این شرکت محصولاتی مانند بسته‌های آماده بقا، آب بسته‌بندی‌شده و مواد غذایی پرکالری عرضه می‌کند. افزایش تقاضا تنها به خانوارها محدود نبوده و برخی شرکت‌ها و سازمان‌ها نیز برای تکمیل ذخایر اضطراری دفاتر کاری خود سفارش‌های جدیدی ثبت کرده‌اند.

مدیران Ready America می‌گویند حجم تقاضای اخیر در سال‌های گذشته تنها در دوره همه‌گیری کرونا قابل مقایسه بوده است. افزایش سفارش‌ها حتی باعث کمبود برخی محصولات مانند قرص‌های تصفیه آب شده و شرکت برای پاسخ‌گویی به مشتریان، عرضه محصولات جایگزین از جمله بسته‌های آب آماده را افزایش داده است. این شرکت همچنین از تأمین‌کنندگان خود خواسته ظرفیت تولید را بالا ببرند تا بتواند پاسخ‌گوی موج جدید تقاضا باشد.

نگرانی از اختلال برق و حملات سایبری، خریدهای اضطراری را افزایش داد

اگرچه قطعی‌های فناوری در ماه نوامبر به تشدید این روند کمک کرده‌اند، اما نشانه‌های افزایش تقاضا برای تجهیزات اضطراری از هفته‌های قبل نیز مشاهده می‌شد. بر اساس داده‌های Consumer Edge، خرید از برندهای فعال در حوزه آمادگی برای بحران از اواخر ماه گذشته روند افزایشی داشته است. انتشار گزارش‌هایی درباره آماده‌سازی پایگاه‌های نظامی آمریکا برای فعالیت حداقل ۹۰ روز بدون پشتیبانی خارجی و همچنین افزایش نگرانی‌های ژئوپلیتیکی در ارتباط با جنگ علیه ایران، از جمله عواملی بودند که فضای نگرانی را تقویت کردند.

در همین حال، انجمن ملی صنعت تیراندازی آمریکا (NSSF) اعلام کرده فروش سلاح در ماه اکتبر حدود ۸ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش یافته است. برخی خرده‌فروشان و تولیدکنندگان نیز از تداوم تقاضای بالا در ماه نوامبر خبر داده‌اند. این انجمن بخشی از افزایش تقاضا را به نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی و نگرانی‌های ناشی از اختلال‌های اخیر فناوری مرتبط می‌داند.

اقتصاد آخرالزمانی به وال‌استریت هم رسید

افزایش خرید محصولات اضطراری حالا توجه تحلیلگران بازار سرمایه و مؤسسات مالی را نیز به خود جلب کرده است. بانک سرمایه‌گذاری میزوهو در گزارشی اعلام کرده نگرانی مصرف‌کنندگان از اختلال‌های فناوری و گسترش روایت‌های آخرالزمانی در شبکه‌های اجتماعی، باعث افزایش خرید کالاهای ضروری و ذخیره‌سازی آنها در فروشگاه‌های کاستکو شده است.

این بانک انتظار دارد رشد فروش غیرسوختی کاستکو در ماه نوامبر از ۱۰ درصد فراتر برود؛ سطحی که از سال ۲۰۲۲ تاکنون کمتر مشاهده شده است.

بانک RBC کانادا نیز تأکید کرده است که موج آمادگی برای شرایط بحرانی در هفته‌های اخیر تأثیر محسوسی بر رفتار خرید مصرف‌کنندگان در کشورهای مختلف داشته است. البته این تغییر رفتار تاکنون بیشتر در گروه محدودی از کالاها مانند مواد غذایی ماندگار، محصولات تصفیه آب و مواد غذایی قابل ذخیره‌سازی مشاهده شده است.

برخی مشاوران مالی نیز از افزایش مراجعه مشتریان برای خرید عمده از فروشگاه‌هایی مانند کاستکو و تهیه ژنراتور برق خبر داده‌اند. حتی پرسش درباره نحوه آماده‌سازی برای شرایطی که نظام مالی و بانکی از دسترس خارج شود، در میان برخی مشتریان افزایش یافته است.

طلا دوباره به‌عنوان پناهگاه امن مورد توجه قرار گرفت

نگرانی از اختلال در شبکه‌های دیجیتال تنها به خرید مواد غذایی و تجهیزات اضطراری محدود نمانده است. برخی مصرف‌کنندگان به دنبال دارایی‌هایی هستند که در صورت بروز اختلال در نظام بانکی و پرداخت‌های الکترونیکی، وابستگی کمتری به زیرساخت‌های دیجیتال داشته باشند.

در همین راستا، شرکت آمریکایی American Hartford Gold از افزایش تماس‌ها و پرس‌وجوهای مشتریان درباره خرید طلا خبر داده است. مدیر این شرکت می‌گوید برخی مشتریان پس از اختلال در تراکنش‌های بانکی جی‌پی مورگان چیس، علاقه بیشتری به خرید طلا نشان داده‌اند؛ زیرا این فلز را دارایی امن‌تری در شرایط بی‌ثباتی مالی و اختلال در شبکه‌های دیجیتال می‌دانند.

این رفتار نشان می‌دهد بخشی از مصرف‌کنندگان علاوه بر ذخیره کالاهای ضروری، به دنبال متنوع‌سازی دارایی‌های خود و کاهش وابستگی به سیستم‌های مالی الکترونیکی هستند.

نگرانی از حملات سایبری مبتنی بر هوش مصنوعی

در کنار واکنش مصرف‌کنندگان، اختلال‌های اخیر بحث درباره امنیت زیرساخت‌های فناوری و احتمال سوءاستفاده از هوش مصنوعی در حملات سایبری را نیز پررنگ‌تر کرده است.

مقام‌های اطلاعاتی آمریکا اعلام کرده‌اند اختلال‌های اخیر ناشی از حمله سایبری یا اقدام هماهنگ یک کشور خارجی نبوده است. با این حال، برخی مقام‌های سیاسی درباره احتمال وقوع بحران‌های بزرگ‌تر در آینده، به‌ویژه با گسترش ابزارهای هوش مصنوعی و سامانه‌های خودکار، ابراز نگرانی کرده‌اند.

از نگاه تحلیلگران، این اتفاقات می‌تواند شرکت‌ها را به افزایش سرمایه‌گذاری در امنیت سایبری وادار کند. مدیرعامل شرکت Macro Hive معتقد است پس از این اختلال‌ها، سرمایه‌گذاران ممکن است فشار بیشتری بر شرکت‌ها وارد کنند تا بودجه امنیت سایبری خود را افزایش دهند؛ روندی که می‌تواند از نظر ماهیت به موج سرمایه‌گذاری در نرم‌افزارهای آنتی‌ویروس در دوران رونق اینترنت شباهت داشته باشد.

در بازار سرمایه نیز نشانه‌هایی از توجه بیشتر به این حوزه دیده می‌شود. صندوق قابل معامله Global X Cybersecurity ETF طی دو هفته اخیر حدود ۳ درصد رشد کرده؛ عملکردی متفاوت از روند نزولی بخشی از سهام فناوری و شرکت‌های فعال در حوزه هوش مصنوعی.

بازگشت به زندگی بدون وابستگی به فناوری

با وجود افزایش نگرانی‌ها، همه آمریکایی‌ها سناریوهای آخرالزمانی را جدی نمی‌گیرند و بخشی از واکنش‌ها به این موج خرید در شبکه‌های اجتماعی با شوخی و طنز همراه بوده است. با این حال، آمار جست‌وجوهای اینترنتی از افزایش قابل‌توجه توجه مردم به موضوع آمادگی برای شرایط اضطراری حکایت دارد. جست‌وجوی عبارت «آمادگی برای بحران» در گوگل آمریکا طی یک ماه گذشته بیش از دو برابر شده و جست‌وجوی ویدئوهای مرتبط با بقا در شرایط اضطراری در یوتیوب نیز بیش از ۵۰ برابر افزایش یافته است. برای برخی خانواده‌ها، این آمادگی صرفاً یک واکنش روانی به اخبار روز نیست. تجربه بحران‌هایی مانند طوفان هاروی در سال ۲۰۱۷ و طوفان زمستانی یوری در سال ۲۰۲۱ باعث شده بخشی از مردم اهمیت ذخیره مواد غذایی و تجهیزات ضروری را از نزدیک لمس کنند.

با این حال، تفاوت نگرانی‌های امروز با بحران‌های طبیعی گذشته در این است که این بار منشأ احتمالی بحران، وابستگی گسترده زندگی روزمره به فناوری است؛ از پرداخت‌های بانکی و ارتباطات گرفته تا تأمین برق و خدمات عمومی.

در چنین شرایطی، برخی خانواده‌ها علاوه بر ذخیره آب، غذا و دارو، نگهداری پول نقد و اطمینان از وجود سوخت کافی در خودروهای خود را نیز در اولویت قرار داده‌اند. آنچه در حال شکل‌گیری است، تنها افزایش موقت فروش چند کالای اضطراری نیست؛ بلکه نشانه‌ای از تغییر رفتار مصرف‌کنندگان در مواجهه با ریسک‌های فناوری و زیرساختی است. هرچه زندگی روزمره بیشتر به شبکه‌های دیجیتال وابسته می‌شود، ارزش کالاها و امکاناتی که امکان ادامه زندگی در شرایط قطعی و اختلال را فراهم می‌کنند نیز برای بخشی از جامعه افزایش می‌یابد. به این ترتیب، نگرانی از بحران‌های احتمالی به یک فرصت تازه برای کسب‌وکارهای فعال در بازار تجهیزات اضطراری، مواد غذایی ماندگار، انرژی پشتیبان و

درز ۱۵ میلیون سند محرمانه درباره بزرگترین بانک آلمان

بانک

انتشار انبوهی از اسناد محرمانه داخلی دویچه بانک که ابعاد بی‌سابقه‌ای از نادیده‌گرفتن هشدارهای نظارتی را عیان کرده است، ستون‌های اعتماد به این غول بانکی اروپا را به لرزه درآورد. بر اساس تحقیقات تیمی از رسانه‌های معتبر بین‌المللی، افشای بیش از ۱۵ میلیون سند محرمانه نشان می‌دهد که ساختار مدیریتی این موسسه بارها برروی تخلفات چشم‌پوشی کرده است. در همین راستا، شبکه‌های خبری آلمانی‌زبان جزئیات این افشاگری کم‌نظیر را بازتاب داده اند.

واکنش زنجیره‌ای بازارها به افشای اسناد محرمانه

بازارهای مالی بلافاصله به این خبر واکنش نشان دادند و ارزش سهام دویچه بانک در بورس فرانکفورت با افتی قابل‌توجه مواجه شد. هاندلزبلات در گزارش خود میزان این ریزش را بیش از شش درصد برآورد کرد، رقمی که بازتاب‌دهنده نگرانی عمیق سرمایه‌گذاران از پیامدهای حقوقی و نظارتی این بحران است. نشریه لوموند نیز در پوشش تحولات این رویداد، جزئیات افت ارزش سهام این بانک را در ساعات اولیه معاملات بررسی کرده‌است. از سوی دیگر، کارشناسان بازار سرمایه بر این باورند که سقوط ارزش سهام تنها نوک کوه یخ است و افشای این اسناد می‌تواند پیامدهای ساختاری بلندمدتی بر جای بگذارد.

نهادهای نظارتی اتحادیه اروپا و ایالات متحده اکنون با فشار فزاینده‌ای برای بازنگری در مکانیسم‌های انطباق و نظارت بر گردش مالی بانک‌های بزرگ مواجه شده‌اند. این تحولات نشان می‌دهد که هزینه‌های پنهان عدم رعایت استانداردهای قانونی تا چه اندازه می‌تواند برای اعتبار بین‌المللی یک موسسه مالی ویرانگر باشد.

استمرار مراودات پرخطر و نادیده‌گرفتن هشدارهای صریح

بررسی‌های انجام‌شده روی اسناد افشاشده، از جمله توسط نیویورک تایمز گویای آن است که دویچه بانک به‌صورت سیستماتیک به همکاری با اشخاص حقیقی و حقوقی پرخطر ادامه داده است. کارشناسان داخلی بخش انطباق و مبارزه با پول‌شویی این بانک بارها خطرات ناشی از همکاری با الیگارش‌های روس و مفسدان اقتصادی را گوشزد کرده بودند. با وجود این هشدارهای صریح، مدیران ارشد با اعمال استثنائات سفارشی، راه را برای تداوم منافع مالی این افراد هموار ساختند. علاوه بر این، اسناد حاکی از آن است که دویچه بانک تا آستانه تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، سیاست توسعه فعالانه مراودات خود با مسکو را دنبال می‌کرد. نشریه آلمانی اشپیگل جزئیات تکان‌دهنده‌ای را در خصوص تلاش این بانک برای گسترش عمق نفوذ اقتصادی در روسیه منتشر کرده است. این رویه دوگانه در مدیریت ریسک، پرسش‌های جدی پیرامون اثربخشی مقررات‌گذاری پس از بحران مالی جهانی مطرح می‌کند. در حالی که نهادهای ناظر بانکی همواره بر شفافیت و پایبندی به رژیم‌های تحریمی تأکید دارند، شواهد موجود نشان می‌دهد که سودآوری کوتاه‌مدت ناشی از جذب سرمایه‌های کلان الیگارش‌ها، ترجیح اصلی مدیران وقت بوده است. این امر حاکی از شکاف عمیق میان قوانین مکتوب و رویه‌های اجرایی در سیستم بانکی سنتی قاره سبز است.

سایه سنگین روابط جنجالی با جفری اپستین و چهره‌های سیاسی

تارنمای لوکین دیلی نیوز در گزارشی جامع به بازنشر ابعاد این روابط و واکنش‌های متعاقب آن پرداخته و نوشته است که بخش دیگری از پرونده افشاشده به ارتباطات مالی پیچیده دویچه بانک با چهره‌های جنجالی حوزه سیاست و اقتصاد، از جمله «جفری اپستین» و «دونالد ترامپ» اختصاص دارد. حضور نام این افراد در اسناد داخلی نشان می‌دهد که بخش بانکداری اختصاصی این موسسه چگونه به پناهگاهی امن برای مدیریت دارایی‌های اشخاص مسئله‌دار تبدیل شده بود. افزون بر این، ارائه مدل‌های پیچیده و مناقشه‌برانگیز بهینه‌سازی مالیاتی به مشتریان ثروتمند، ابعاد تازه‌ای از فرار از شفافیت مالی را هویدا ساخته است. این طراحی‌های مالیاتی نه تنها با هدف کاهش بار مالیاتی مودیان کلان صورت گرفته، بلکه پویاییِ تاریکِ خدمات‌دهیِ بانک‌های بزرگ به الیت‌های جهانی را به نمایش می‌گذارد.

متن کامل را در تازه‌های اقتصاد بخوانید

خبر

حرکت عراق به‌سوی اقتصاد دیجیتال با انتشار دینار الکترونیکی

به نقل از الجزیره، مشاور مالی نخست‌وزیر عراق، مظهر محمد صالح، بر اهمیت حرکت به سمت انتشار دینار الکترونیکی تأکید کرد و آن را گامی راهبردی برای نوسازی نظام مالی و کاهش وابستگی به پول نقد و اسکناس دانست؛ اقدامی که می‌تواند به افزایش شفافیت، ارتقای کارایی پرداخت‌ها و گسترش دامنه خدمات بانکی کمک کند. صالح در گفت‌وگو با خبرگزاری رسمی عراق (واع) اعلام کرد که انتشار دینار الکترونیکی می‌تواند به کاهش مبادلات مالی خارج از چارچوب رسمی و بهبود مدیریت نقدینگی در اقتصاد کمک کند؛ البته به شرط آنکه چارچوب‌های قانونی، فنی و نظارتی موردنیاز برای راه‌اندازی آن تکمیل شود.

وی توضیح داد که دینار الکترونیکی در واقع امتداد دیجیتال پول ملی عراق خواهد بود و به معنای انتشار پول جدید نیست. بنابراین، عرضه آن لزوماً موجب افزایش حجم نقدینگی نخواهد شد، بلکه هدف اصلی آن افزایش کارایی گردش پول و انتقال منابع مالی میان افراد و مؤسسات است. او همچنین خاطرنشان کرد که اجرای این طرح می‌تواند زمینه انتقال منابع مالی از چرخه مبادلات نقدی و نگهداری پول خارج از شبکه بانکی به مسیرهای رسمی پس‌انداز، اعطای تسهیلات و سرمایه‌گذاری را فراهم کند و توانایی بخش مالی برای هدایت نقدینگی به فعالیت‌های اقتصادی را افزایش دهد.

الزامات انتشار دینار الکترونیکی

مشاور مالی نخست‌وزیر عراق تأکید کرد که موفقیت پروژه دینار الکترونیکی مستلزم توسعه زیرساخت‌های ارتباطی، تقویت امنیت سایبری، به‌روزرسانی قوانین و مقررات مربوط به مبادلات مالی دیجیتال و همچنین جلب اعتماد شهروندان به ابزارهای پرداخت الکترونیکی است.

صالح با تمجید از اقدامات بانک مرکزی عراق در زمینه توسعه سامانه‌های پرداخت و انتقالات مالی، گسترش استفاده از کیف پول‌های الکترونیکی و کارت‌های بانکی و به‌روزرسانی سامانه‌های تسویه حساب، گفت این اقدامات بستر فنی و نهادی لازم برای حرکت به سمت خدمات مالی پیشرفته‌تر را فراهم می‌کنند. وی همچنین خواستار تقویت هماهنگی میان بانک مرکزی، دولت، بانک‌ها و بخش خصوصی برای تضمین موفقیت روند تحول دیجیتال شد. پیش از این نیز علی محسن العلاق، رئیس سابق بانک مرکزی عراق، در سال گذشته اعلام کرده بود که پروژه دینار دیجیتال در دست اجراست، اما راه‌اندازی آن به زمان بیشتر و تکمیل زیرساخت‌های موردنیاز نیاز دارد.

توسعه پرداخت‌های دیجیتال

این رویکردها در چارچوب تلاش‌های بانک مرکزی عراق برای گسترش استفاده از ابزارهای پرداخت الکترونیکی و کاهش وابستگی به پول نقد در مبادلات روزمره دنبال می‌شود. بانک مرکزی عراق در ماه ژوئیه گذشته نشست گسترده‌ای با شرکت‌های دارای مجوز پرداخت الکترونیکی برگزار کرد تا راهکارهای توسعه خدمات مالی دیجیتال و افزایش کارایی نظام ملی پرداخت را بررسی کند.

در این نشست، رئیس بانک مرکزی بر ضرورت ارتقای کیفیت خدمات ارائه‌شده به کاربران و رعایت استانداردهای بین‌المللی، به‌ویژه در تراکنش‌های مالی خارجی، تأکید کرد؛ موضوعی که می‌تواند زمینه افزایش سقف استفاده از کارت‌های بانکی و عرضه محصولات مالی جدید را فراهم کند.

همچنین اقداماتی برای جلوگیری از سوءاستفاده از کارت‌های الکترونیکی، گسترش شبکه پذیرش این کارت‌ها در مراکز تجاری و خدماتی و تقویت همکاری میان شرکت‌های پرداخت و بانک‌های دارای مجوز مورد بررسی قرار گرفت. بانک مرکزی عراق از طریق این اقدامات به دنبال افزایش امنیت و اعتمادپذیری تراکنش‌های الکترونیکی و تشویق شهروندان و شرکت‌ها به استفاده از کانال‌های رسمی بانکی است.

شمول مالی؛ زمینه‌ساز اجرای دینار دیجیتال

پروژه دینار الکترونیکی با راهبرد ملی شمول مالی بانک مرکزی عراق برای دوره ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۹ ارتباط دارد؛ راهبردی که با هدف گسترش دسترسی افراد و شرکت‌ها به خدمات بانکی و مالی تدوین شده است. این راهبرد افزایش سهم جمعیت دارای حساب بانکی، تقویت حمایت از مصرف‌کنندگان خدمات مالی، توسعه زیرساخت‌های پرداخت الکترونیکی و به‌روزرسانی چارچوب‌های نظارتی بخش مالی را دنبال می‌کند.

بانک مرکزی عراق این راهبرد را با همکاری شرکای بین‌المللی از جمله گروه بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول عربی، ائتلاف شمول مالی و آژانس همکاری‌های بین‌المللی آلمان (GIZ) و همچنین شماری از نهادهای داخلی تدوین کرده است.

عراق امیدوار است توسعه نظام پرداخت‌های دیجیتال و انتشار دینار الکترونیکی در آینده، موجب جذب بخش بیشتری از مبادلات مالی به نظام رسمی بانکی، بهبود مدیریت نقدینگی و افزایش کارایی فعالیت‌های اقتصادی شود.